

تهیه الگو از ساختار شهرهای سنتی اسلامی*

نزار الصیّاد**

ترجمه: حسین سلطانزاده



مقدمه مترجم:

اطلاعات موجود درباره ساختار شهرهای اسلامی، بویژه نخستین شهرهایی که مسلمانان فتح کردند یا ساختند، بسیار اندک است چنانکه در موارد بسیاری نمی توان به الگوی حاکم بر نحوه شکل گیری عناصر و مناسبات بین آنها بسادگی پی برد. نزارالصیّاد در این بررسی، سعی کرده است تا با بهره گیری از منابع تاریخی و استفاده از نمونه مشابه و الگوسازی با رایانه به این روش دست یابد در این مقاله ساختار کالبدی شهرهای دمشق و قاهره و تأثیر الگوهای پیشین و اسلامی در شکل گیری آنها بررسی شده است.



شهرهای اسلامی موضوع بسیاری از مطالعات، در چند دهه گذشته بوده است. این شهرها معمولاً به عنوان شهرهایی اندام وار، بدون نظم و قاعده، با

* مطالب این مقاله با توجه به کتاب شهرها و خلیفه‌ها: پیدایش شهرسازی عربهای مسلمان، تألیف نزارالصیّاد، نیویورک ۱۹۹۱، تهیه شده است.

** نزارالصیّاد، معمار، برنامه ریز و مورخ معاصر در دانشکده معماری دانشگاه کلیفرنیا، برکلی است. او چندین کتاب و مقاله درباره خانه سازی، معماری اسلامی، سکونتگاههای سنتی و شهرسازی در جهان سوم نوشته است.

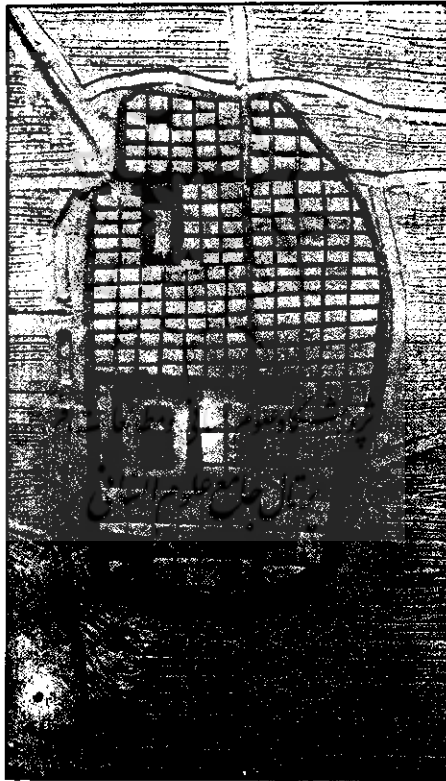
معابری پر پیچ و خم، بدون میدانهای شکل یافته و طراحی شده، بدون توجه به هندسه و با نفی قواعد شهری معرفی شده‌اند. در حالیکه ممکن است این وصف درباره بعضی از شهرهای اسلامی منصفانه باشد، اما تا زمانی که آن را در یک زمینه وسیعتر تاریخی بررسی نکرده‌ایم، نمی‌توان این نکات را تصدیق کرد. برای مثال، کوشش برای بازسازی شکل نخستین بعضی از شهرهای شناخته شده شطرنجی شکل عربی - اسلامی، امکان پذیر است. شهرهای شطرنجی شکل مانند دمشق که شکل اصلی آنها به پیشینه‌های یونانی - رومی وابسته است و شهرهای طراحی شده‌ای مانند قاهره که به عنوان فضایی مسکونی با شبکه منظم هندسی شکل برای خلیفه جدید و همراهان او ساخته شد، مثالهای خوبی برای روند دگرگونی و تغییر شکل شهرهای اسلامی‌اند.

مورخان معماری برای بازسازی شکل نخستین این شهرها، با توجه به فقدان اطلاعات دقیق باستانشناسی، باید به وصفهایی که در متون تاریخی آمده است، توجه کنند. منابع تاریخی عرب در دوران پیشرفت اسلام نوشته شده است، به عنوان غنی‌ترین منابع تاریخ شهرسازی اسلامی است. برای دستیابی به اهداف این مقاله، من تقریباً به طور کامل به این منابع تکیه کرده‌ام تا بازسازی‌های متعدد مصوری از قاهره و دمشق، در مراحل ابتدایی توسعه این دو شهر را ترسیم کنم. ابتدا به شکل سنتی زمین، اتصال و نمودارهای مکانی به عنوان روش تحلیل پیوند میان کاربردهای زمین، الگوهای فعالیت و تسهیلات نهادی، تکیه خواهم کرد.

از نمونه‌های از گِل ساخته شده نیز برای تحلیل پیوندهای میان فضاهای پر و خالی، طرحهای کالبدی و اشکال گردش (رفت و آمد)، استفاده می‌شود. شبیه‌سازیهای رایانه‌ای با بهره‌گیری از فنون پیشرفته نقاشی متحرک نیز، به کار گرفته می‌شوند تا بازسازیهای جایگزین این دو شهر را ارائه و فرآیندهای تغییرات را نشان دهند.

دمشق:

شهر دمشق در طول تاریخ خود توسعه یافته است. نخستین اشاره به این شهر متعلق به هنگامی است که پایتخت پادشاهی کوچک سلسله آرامی در قرن یازده پیش از میلاد بود. غلبه اسکندر بزرگ بر دمشق در ۳۳۳ ق.م واقعه مهمی برای شکل شهری دمشق بود. ویژگیهای نقشه شهر، از جمله معبد ژوپیترا، آگورا، یک شبکه چهارخانه‌ای متحدالشکل و بلوکهای کوچک خانه‌ها در قطعاتی با اندازه معین بود (شکل ۱).



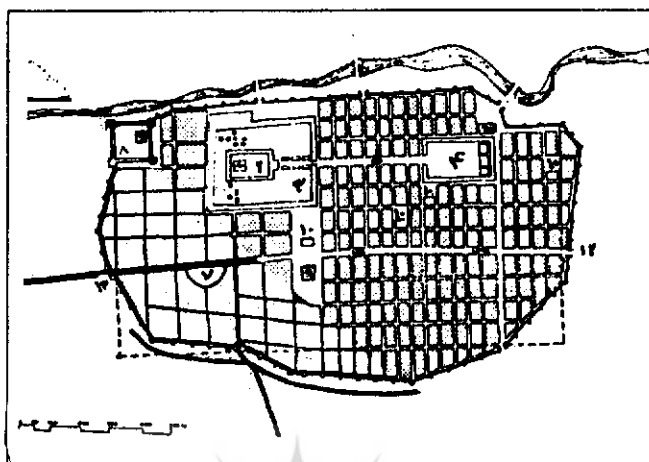
شکل ۱ - نمونه شبیه‌سازی شده دمشق
پیش از پیروزی مسلمانان.

سپس دمشق در قرن اول پیش از میلاد، زیر فرمان حکومت روم درآمد و در آغاز قرن دوم پس از میلاد در دوران آدریانوس، امپراتور روم، به مقام یک مادرشهر^۱ ارتقا یافت. از ویژگیهای طرح روی شهر، دو خیابان سرپوشیده بود. نخستین خیابان سرپوشیده با چندین طاق رومی از شرق به غرب شهر کشیده شده بود مانند فضای دکومانوس^۲ در شهرهای رومی. دومین خیابان، جاده‌ای قدیمی بود که معابد و آگورا (که به یک فوروم^۳ تغییر شکل یافته بود) را به یکدیگر متصل می‌کرد. یک کاستروم^۴ نیز در گوشه شمال شرقی شهر ساخته شده بود رومیها شهر را به شکل مستطیلی درآوردند که ابعاد آن ۵۰۰×۷۰۰ فوت (تقریباً ۲۳۳×۱۶۶ متر) بود. شهر با یک دیوار دفاعی (بارو)، دارای هفت دروازه، محصور شده بود که عبارتند از: دروازه شرقی، الجاییه به سوی غرب، سه دروازه به سوی شمال که شامل دروازه توماس در شمال شرقی، و دو دروازه به سوی جنوب بود (شکل ۲ و ۳).



شکل ۲ - شکل بازسازی شده رایانه‌ای دمشق در پیش از اسلام

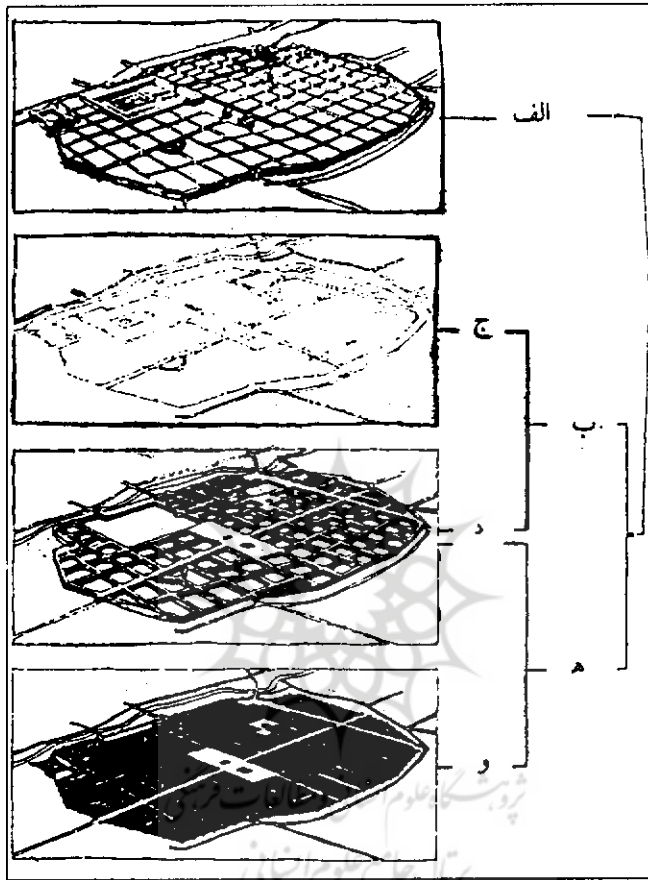
۱. متروپلیس ۲. راسته بازار مستقیم ۳. میدان، در شهرهای رومی ۴. قلعه رومی



شکل ۳ - نقشه رومی دمشق در آغاز قرن هفتم میلادی پیش از تصرف مسلمانان (براساس سواژه، الیسیف و مورخان عرب)
 الف) معبد ژوپیتر که به کلیسای سنت جان تبدیل شد ب) تمنس
 ج) پریبولوس با دکانهایی که اضافه شده‌اند د) آگورا که با تعدادی
 دکان به فوروم تبدیل شد ه) معبد سرپوشیده و) دمشق که بعد
 مستقیم خوانده شد ز) تئاتر که به انبار تبدیل شد ح) کاستروم
 ط) قصر رومی ی) کلیسای رومی ک) دروازه توماس ل) دروازه
 شرقی م) دروازه جاییه

در ۳۹۵ میلادی، دمشق به صورت بخشی از امپراتوری روم شرقی درآمد، و کلیسا به عنوان نوعی بنا در شهر مطرح شد. معبد ژوپیتر که تا آن زمان متروکه شده بود، بازسازی شد و به صورت یک کلیسا، برای وقف سنت جان بابتیست، تغییر شکل داده شد. تپه‌های غربی شهر (که بعدها در داخل باروی رومی محصور شد) بعلاوه کاستروم و یک قصر رومی نگاه داشته شدند. (شکل ۴).

وقتی که دمشق به دست مسلمانان افتاد، ضعف عمومی مقامات حکومتی، موجب بی‌توجهی به قواعد ساختمانی و متلاشی شدن تدریجی نظم کالبدی شهر شد. اگر چه نظم و فضای معابر مورد بی‌توجهی و تخطی قرار گرفت، اما شبکه ارتباطی هنوز قابل مشاهده و از لحاظ کارکردی



شکل ۴ - شکل شهری تحلیل شده دمشق در دوره پیش از اسلام
 الف) شکل شهری دمشق در پیش از اسلام ب) کاربری اراضی
 ج) شکل کارکردی و الگوی فعالیتها (مکان) د) ساختار فضایی
 هـ) شکل کالبدی و طرح کالبدی (شکل زمینی)

قابل استفاده بود. به نظر می‌رسد مسلمانان به سبب نظم شهر خیلی تحت تأثیر قرار گرفته بودند، بویژه معبر طولانی دکومانوس که آن را «مستقیم» می‌نامیدند، نامی که تقریباً به مدت ده قرن باقی ماند. در ابتدا اگر چه چندین گروه از مردم یونانی زبان از شهر فرار کردند، و مقدار قابل توجهی از املاک خود را برای مسلمانان به جای گذاشتند، اما تسلط مسلمانان، تأثیر چندانی

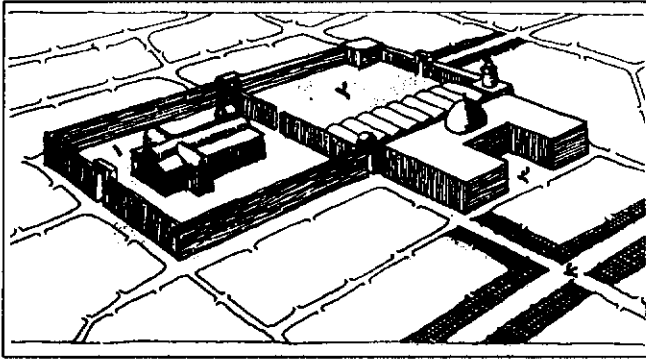
بر دمشق نداشت.

حکایت‌های متعددی در منابع تاریخی گوناگون درباره ماهیت عهدنامه امضا شده میان مسلمانان و مسیحیان وجود دارد. برای مثال بلاذری می‌گوید: واقدی، که ادعا می‌کرد متن عهدنامه امضا شده خالد را دیده بود (موضوعی که خود جای بحث دارد)، گفته است که در متن عهدنامه، موضوعی درباره تقسیم خانه‌ها و کلیساها نبوده است. بسیاری از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که جزئیات نحوه تحویل گرفتن شهر دمشق متعلق به نسل بعدی علمای حقوق است که در جستجوی عقلایی کردن این واقعه بوده‌اند.

مسلمانان بدون توجه به مسئله تخلیه داوطلبانه خانه‌ها یا خلع مالکیت از صاحبان آنها، بتدریج در خانه‌های خالی دمشق ساکن شدند. اگر چه اطلاعات بسیار اندکی درباره محل دقیق زندگی این مسلمانان داریم اما می‌دانیم که آنان در محله خاصی مستقر نشدند. به نظر می‌آید فرماندهان پادگانهای مختلف، تعدادی از خانه‌های خالی را در محلهای گوناگون تحویل گرفتند.

شاید مهمترین موضوع در تغییر شکل بناهای دمشق در دوره مسلمانان راجع به مسجد شهر باشد. البته محوطه‌ای که آنان انتخاب کردند، متعلق به کلیسای پیشین سنت جان بود. ابن جبیر معتقد است که مسلمانان کنیسه یا کلیسا را به دو قسمت تقسیم و نیمه شرقی آن را اشغال کردند. تقسیم کلیسا توسط بسیاری از محققان رد کرده‌اند. بعضی به ناممکن بودن چنان مناسباتی بین مسلمانان و مسیحیان اشاره کرده‌اند، در حالی که دیگران این سردرگمی را به یک اشتباه در ترجمه نسبت داده‌اند. کرسول نتیجه گرفته است که مسلمانان فقط در نیمه شرقی معبد قدیمی باتمنوس که در خارج ساختمان کلیسا بود، استقرار یافتند (شکل ۵).

به نظر می‌رسد که توضیح کرسول با تضمینی که مسلمانان در عهدنامه به



شکل ۵ - بازسازی مسجد دمشق، کلیسای سنت جان و قصر معاویه (براساس ابن عساکر)

۱. کلیسای سنت جان ۲. مسجد اموی ۳. قصرالخطرا ۴. بازار، معبر سرپوشیده‌ای که به بازار تبدیل شد

مسیحیان داده بودند مطابقت دارد. اما مسلمانان چگونه در این فضای خارج از کلیسا نماز می‌خواندند؟ کیفیت کالبدی و کارکردی آن فضا چگونه بود؟ آیا هیچ قسمت از آن سرپوشیده بود، و نسبت آن با قبله چگونه بود؟ در برخی از منابع تاریخی به مسجد واقع در نزدیکی کلیسا در دمشق به عنوان یک مصلا اشاره کرده‌اند. این واژه نخستین مرتبه در مدینه به مکانی در خارج از شهر، محلی که مسلمانان برای برگزاری نماز عید فطر جمع شده بودند، به کار رفت. بعدها ساختمانی در مصلائی مدینه ساخته شد. ممکن است روند مشابهی نیز در دمشق اتفاق افتاده باشد و فعالیت ساختمان‌سازی به خودی خود جاودان‌سازی نفوذ مسلمانان یا اسلام در شهر نبوده است.

داستان مسجد اگرچه تنها حکایت در تاریخ تصرف دمشق است، اما مثال خوبی است. مسلمانان با دیگر انواع ساختمانهایی که تصرف کردند به صورت متفاوتی رفتار نکردند و هیچ تغییر ساختاری در دمشق حداقل تا زمانی که بنی‌امیه پایتخت خود را به سال ۴۳ ر ۶۶۱ در آنجا مستقر کردند، رخ نداد.

در حکومت معاویه، دمشق پایتخت خلافت بنی‌امیه شد. معاویه با توجه به ساختمان‌سازی در تجربیات پیشین خود به عنوان حاکم ناحیه، از

نمونه‌های معمول روم شرقی، در بنای نهادهای اداری دمشق بهره برد. در حکومت او اسلام بیشتر از سوی مدیترانه و کمتر از سوی بیابان گسترده شد. معاویه نظام خلافت را تغییر شکل داد و از ابتدا آشکار شد که قصد تغییر آن را به یک نظام پادشاهی دارد. اگر چه حکومت کردن به عنوان یک پادشاه از سوی نخستین فقهای اسلامی نفی می‌شد و واژه ملک مورد نفرت مسلمانان بود، اما معاویه با طرحهایی برای ایجاد نظام سلطنتی که بتواند با آنچه که اروپاییها ایجاد کرده بودند رقابت کند، پیش رفت.

زمانی که معاویه، والی دمشق بود، در یکی از قصرهای قدیمی روم شرقی، درون شهر، زندگی می‌کرد. چند سال پس از آغاز خلافت‌اش، برای خود قصری ساخت. قصر معاویه به نام الخضر یا قصر سبز معروف شد، گویا دارای یک گنبد سبز رنگ بزرگ بود. براساس گفته ابن عساکر این قصر با آجر ساخته شده بود، نزدیک دیوار جنوبی مسجد و رو به قبله قرار داشت. استفاده از طرف رو به قبله مسجد و نسبت پیشین دارالعماره با مسجد در هر دو شهر بصره و کوفه مشابه است.

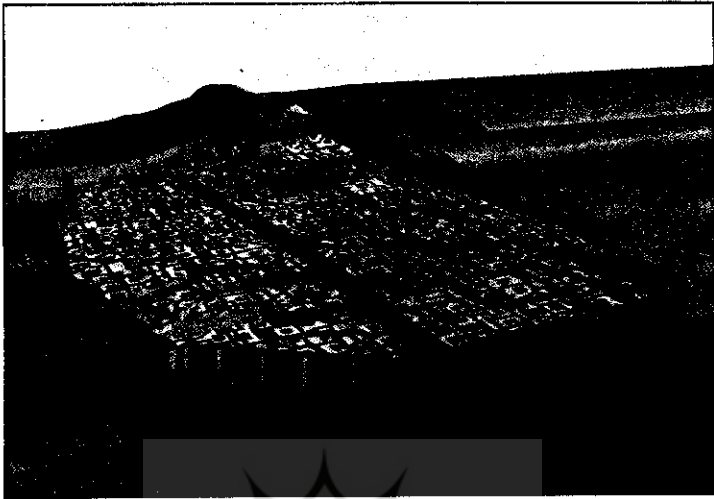
بعید است که این نسبت در دمشق به صورت اتفاقی رخ داده باشد، اما دشوار است که سابقه موضوع را پیگیری کرد یا ثابت کرد که معاویه کوشش می‌کرد از الگویی که قبلاً دیده بود، تقلید کند. با توجه به مطالب ابن عساکر می‌دانیم که ساختمان قصر در مدت سلطنت معاویه چندین بار تغییر کرد. او گفته است که سفیر روم شرقی در دمشق پس از دیدن آن قصر گفته بود: «این بنا مانند یک قصر نیست، چون بالای آن جای پرندگان و زیر آن جای پخت و پز است». ظاهراً این سخن، معاویه را برانگیخت تا قصر را توسعه دهد و آن را با سنگ، بازسازی کند.

به نظر می‌رسد که قصر معاویه شامل دو بخش جداگانه بود. اقامتگاه خانواده و جایگاه تشکیلات اداری او. در حقیقت عنوان «قصر سبز» ممکن است به تمام مجموعه ساختمان اداری نسبت داده شده باشد که خانه

معاویه، فقط بخشی از آن بود. در واقع معتقد است که «قصر سبز» قصر تغییر شکل یافته متعلق به دوران روم شرقی بوده است. اما حتی اگر این موضوع درست باشد، نباید از اهمیت مشاهده نزدیکی مسجد و مقر خلافت به عنوان نشانه اتحاد میان حکومت و مذهب در قدرت فزاینده اسلام بکااهد. اگر چه دمشق در دوره معاویه پایتخت بود، اما شکل کالبدی و زندگی روزانه این شهر چندان تغییری نکرد. زبان یونانی به عنوان زبان اداری باقی ماند و سیمای عمومی شهر با وجود تغییر بزرگ فرهنگی در آن به شکل پیشین برجای ماند. بی‌نظمی معابر دمشق و سازمان فضایی آن، موضوع بحثهای زیادی بوده است (شکل ۶ و ۷).

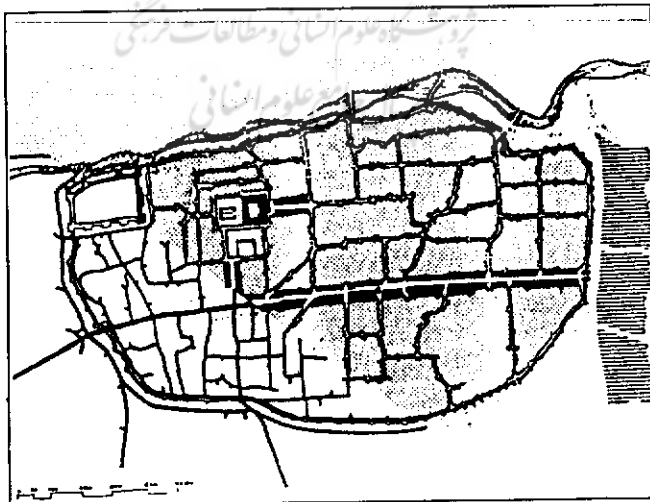


شکل ۶ - نمونه بازسازی نقشه هوایی دمشق در دوره اسلامی



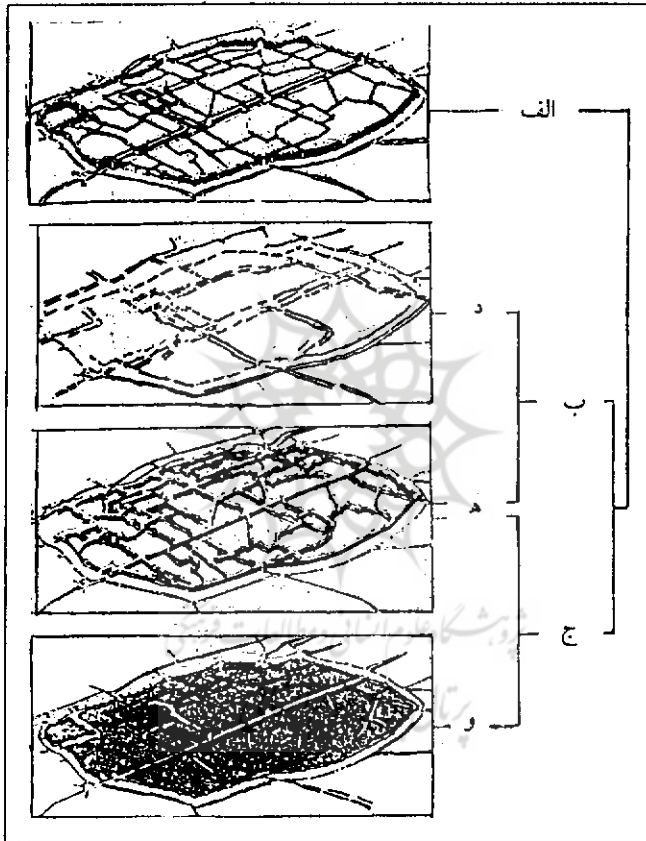
شکل ۷ - بازسازی رایانه‌ای دمشق در دوره اسلامی

عقیده رایج بین محققان این است که بی‌نظمی معابر، تظاهر بعضی از اصول فاقد نظم در خود نظام شهری اسلامی است. این دیدگاه اساساً توسط سوازه ابراز شده است که تلاش‌اش برای



شکل ۸ - نقشه دمشق در دوره اسلامی (براساس المنجد)

بازسازی نقشه یونانی - رومی شهر دمشق، او را به این نتیجه رساند که نظم معابر تا دوره اسلامی حفظ شد، اما تحت تأثیر فرهنگ مسلمانان دگرگون گشت (شکل ۸ و ۹).



شکل ۹ - شکل شهری تحلیل شده دمشق

الف) شکل شهری دمشق در دوره اسلامی ب) شکل کارکردی،
ج) شکل کالبدی د) کاربری اراضی الگوی فعالیتها (مکان)
ه) ساختار فضایی و) طرح کالبدی (شکل زمینی)

این نظریه را ایکس دو پانول رایج و ادعا کرد که همه شهرهای اسلامی نظم است. او اظهار داشت که «دین اسلام نظم شهری را نفی می‌کند».

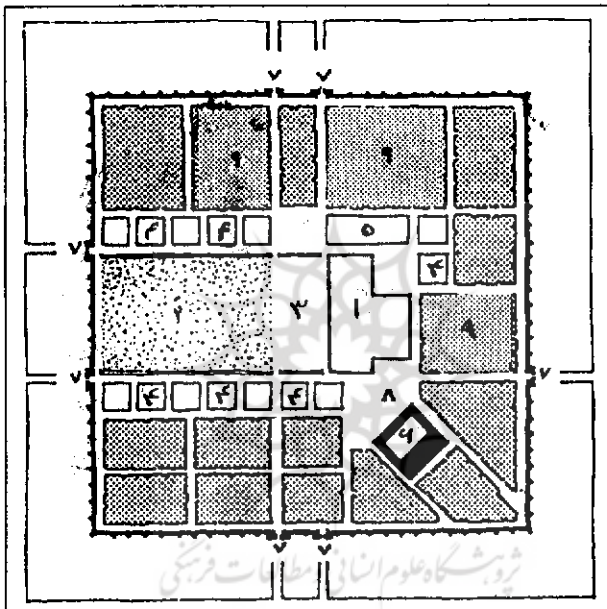
مدتی بعد وان گروبنام خاطر نشان ساخت که از هم پاشیدگی شبکه مواصلاتی دمشق از قرن دوم میلادی شروع شد و او این تغییر را به ضعف قدرت حکومت نسبت داد. اگر چه این مطلب تا حدودی درست است، اما پی بردن به این مسئله دشوار است که این تغییر شکل واقعاً چه وقت به حد نهایت خود رسید و چه نیروهایی موجب بروز آن شدند. این نکته را می دانیم که سیمای عمومی شهر به طور اساسی با فتح مسلمانان تغییر داده نشد و دگرگونیهایی که در معابر آن رخ داد، بخشی از یک روند جاری بود.

قاهره:

پس از تلاشهای پی در پی، جنبش فاطمیان به اندازه کافی نیرو جمع کرد که اجازه فتح مصر را بدهد، و بلافاصله بعد از آن، فرستاده خلیفه فاطمی، «جوهر»، جستجو برای یافتن محل استقرار لشکریان اش را آغاز کرد. براساس یک داستان، او در نظر داشت که پایتخت جدیدی بسازد که خلیفه المعز بالله آن را به عنوان جایگاه خلافت و رقیبی برای بغداد در سر می پروراند. «جوهر» مجبور بود نقشه از قبل تعیین شده خود را در این ناحیه که به قطعاتی تقسیم شده بود، به اجرا درآورد. او شهر جدید را در تنها محوطه قابل دسترس، در شمال آبادیهای موجود، قرار داد. القاهره بخش الحاقی دیگری به الگوی موجود شهر بود که بموزات نیل امتداد یافت. نخستین اقدام جوهر، احداث باروی شهر بود، تعیین محل دروازه‌ها و شروع احداث دو ساختمان اصلی: مسجد و قصر خلیفه. گفته شده است که در روز بعد که اعضای یک هیئت نمایندگی از سوی فسطاط برای خوش آمدگویی به نزد جوهر رفتند، دریافتند که تمام پی باروی شهر مدت کمی قبل حفر شده بود. در منابع تاریخی اشاره‌هایی به معماران یا سازندگان این بناها نشده است ولی گمان می رود که افرادی با این تخصصها در بین سپاهیان او بوده‌اند.

مقریزی تاریخ نویس مشهور قاهره گفته است که «جوهر» در آغاز، شهر را به صورت مربعی به اضلاع معادل ۱۲۰۰ یارد (۱۰۹۷ متر) طراحی کرد. این

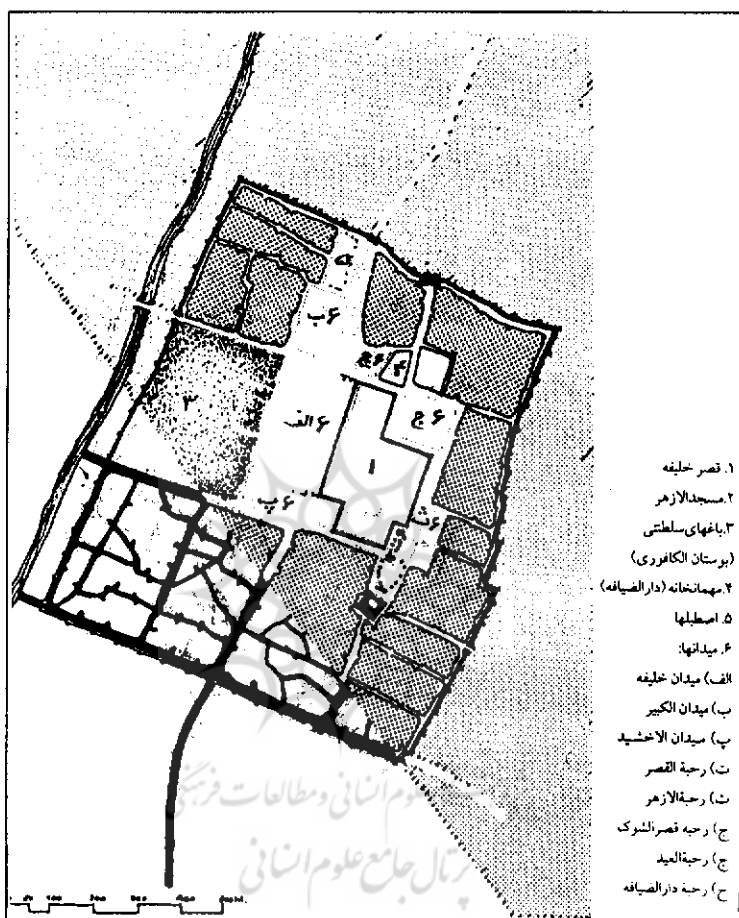
مکان شامل ناحیه‌ای به مساحت ۳۴۰ اکر (۱۳۸ هکتار) می‌شود که ۱۷۰ اکر (۲۸ هکتار) به قصر خلیفه و ۱۷۰ اکر به باغهای موجود، بستان الکافوری، و به میدانهای جدید یا رجه اختصاص یافت. زمینهای باقیمانده به عنوان خطه به بیست گروه مختلف سپاهیان تخصیص داده شد (شکل ۱۰).



شکل ۱۰ - نقشه اصلی قاهره چنان که «جوهر» وصف کرده است (بازسازی براساس وصف مقریزی از نقشه شهر استوار است).

۱. محل خلافت ۲. باغ ۳. میدان ۴. قصرهای سلطنتی
۵. مهمانخانه ۶. مسجد ۷. دروازه‌ها ۸. رجه ۹. محله‌های مسکونی

همچنین مقریزی گفته است که «جوهر» چنان عجله داشت که دستور داد سربازانش روز جمعه شب هنگام، مصالح را حمل کنند و صبح فهمید که نقشه به صورت مستطیلی با کمی قناسی اجرا شده است. سپس تصمیم گرفت که آن قناسی را اصلاح نکند و چنین اظهار داشت که نقشه در یک شب مقدس پیاده شده و غیرمنظم بودن آن ناشی از منطق الهی است (شکل ۱۱).



شکل ۱۱ - بازسازی نقشه قاهره که بر اساس معیونه انجام شده است (بر اساس نقشه جغرافیایی مصر در ۱۹۲۲)

چنانکه بعضی از محققان عقیده دارند، بعید به نظر می‌رسد که نقشه در ضمن اجرا از شکل مربع به مستطیل تغییر یافته باشد. اضلاع نقشه اجرا شده دارای تناسبات دو به سه است که به نظر نمی‌آید، اتفاقی چنین شده باشد.

خلیفه المعز چهارسال پس از پیروزی به شهر جدید وارد شد و این شهر را به عنوان پایتخت خلافت اعلام کرد. وی سپس نام آنجا را به قاهره به

معنی پیروز تغییر داد این اسم بعدها به سبب نحوه تلفظ مسافران ایتالیایی به شکل نام رایج انگلیسی آن، Cairo تغییر شکل یافت.

خلیفه المعز از آغاز قصد داشت که پایتختی باشکوه، با نشانه‌هایی از هویتی تاریخی ایجاد کند. او همراه خود سه تابوت، حامل باقیمانده‌هایی از اجساد پیشینیانش از تونس آورد و دستور داد که آرامگاه آنان را در نزدیکی قصر او جای دهند. خلیفه به محض ورودش به شهر، نخستین نماز جماعت را برگزار کرد و قاهره را در مسیری قرار داد که آن را به پایتخت مذهبی و معنوی جهان اسلام برای سالهای بعد تبدیل کند.

وصف مقریزی دربارهٔ عناصر شهری گوناگون تشکیل دهنده شهر فاطمیان بیش از دوپست صفحه است، که بخش وسیعی از آن را به وصف قصرها اختصاص داده است. وی می‌گوید که «جوهر» و نیروهایش در محوطه‌ای در جنوب قاهره اردو زدند و فوراً احداث بنای باروی شهر را آغاز کردند. مقریزی همچنین گفته است که جوهر به صورت همزمان ساختمان قصر اصلی را در ۳۵۹ شروع کرد (شکل ۱۱ و ۱۲). ضلع غربی قصر مجاور میدان مرکزی قرار داشت که مدتی بعد به سبب اضافه شدن قصر دیگری متعلق به خلیفه، در سمت غرب محدود شد. مبارک گفته است که این میدان ده‌هزار سرباز را در خود جای می‌داد و به عنوان محوطه‌ای برای سان دیدن خلیفه از سپاهیان، استفاده می‌شد، مانند بغداد، نخستین پایتخت طراحی شده اسلامی، قصر خلیفه از اطرافش به وسیله میدانها و باغهایی جدا شده بود. در غرب آن، بوستان الکافوری وجود داشت، باغ بزرگی که به عنوان پناهگاه در دورهٔ میانهٔ خاندان اخشید ساخته شد. این باغ به وسیله دیوارهایی محصور شده بود و با مجراهایی زیرزمینی به قصر خلیفه متصل بود و در ابتدا برای استفاده خلیفه و خانواده او در نظر گرفته شده بود. میدانهایی از شمال و شرق، به ترتیب، قصر خلیفه را از مهمانخانه و خطه البرقیه جدا می‌کرد.



شکل ۱۲ - نمونه بازسازی قاهره در اوایل دوره فاطمی



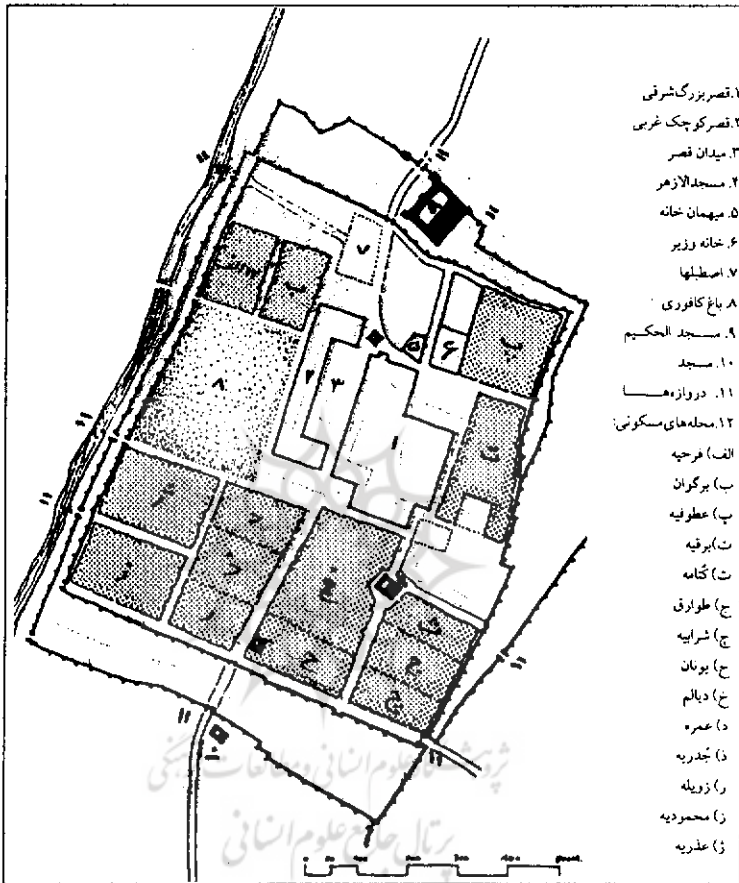
شکل ۱۳ - مدل رایانه‌ای از بازسازی قاهره در اوایل دوره فاطمی

هنگامی که بنای ساختمان قصر ادامه داشت، «جوهر» ساخت یک مسجد جمعه را در جنوب قصر آغاز کرد، این مسجد اساساً توسط یک میدان از قصر جدا می شد. مقریزی گفته است که بنای مسجد در ۲۸۷ شروع شد و سه سال بعد به اتمام رسید. خلیفه المعز نخستین نماز جمعه را در آن برگزار و مراسم خطبه را در نخستین جمعه رمضان در ۳۶۲ ایراد کرد.

حاره‌ها یا محله‌های مسکونی، در پیرامون و حومه قاهره قرار داشتند، اگر چه مقیاس ساختمانها در آنجا خیلی متفاوت از مرکز شهر بود. در آنجا اساساً بیست حاره (محله) وجود داشت که هر کدام به یکی از قبیله‌های سپاهیان فاطمی اختصاص داشت. موازنه بین این قبایل برقرار شد و حضور آنها در حکومت فاطمی قاهره، اهمیت بسیاری در بقای زندگی شهری آن داشت. برخلاف نخستین شهرهای نظامی، از طایفه‌های گوناگونی که از عربستان آمده بودند گروهی متجانس در قاهره ساکن نبود. نظم شهری را نظامی پدید آورده بود که به گروههای مختلف اجازه می داد در حکومت شرکت داشته باشند.

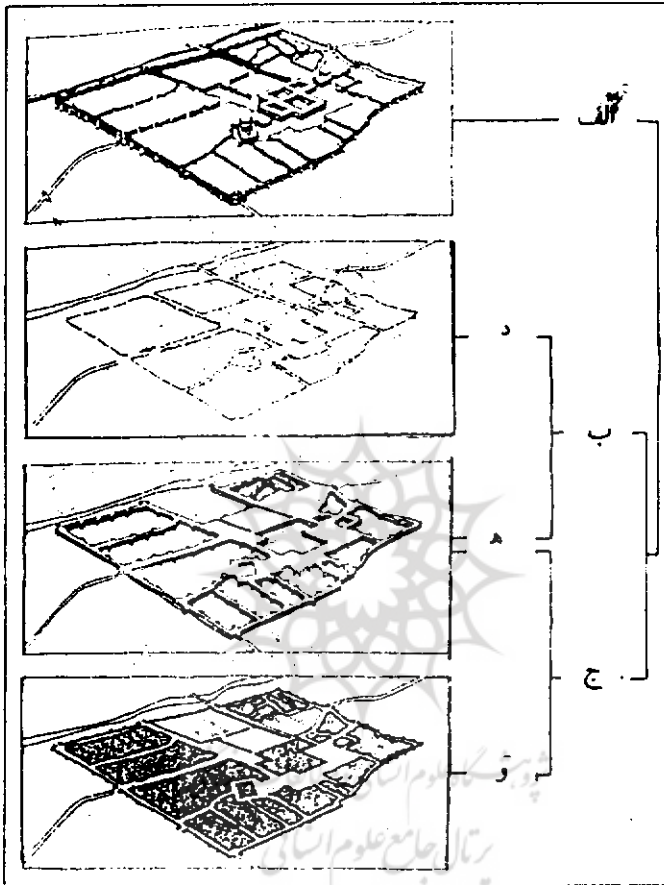
به نظر نمی آید که شهر اصلی به عنوان شهری حکومتی و اختصاصی، دارای بازار بزرگی بوده باشد. هیچ کدام از مورخان به چنان فعالیتی اشاره نکرده‌اند. بهرحال ممکن است که در نخستین ایام شکل گیری قاهره، انبارها و بازارهایی کوچک در همسایگی قاهره وجود داشته است، زیرا که ترک شهر برای خرید روزانه می توانست برای ساکنان آن خیلی ناراحت کننده باشد. این وضع با وسعت یافتن قاهره و ایجاد پیوند متعادلی با شهر همتای اش، فسطاط، تغییر یافت.

بنابراین، به نظر می رسد که سیمای شهر اصلی المعز، شهری دارای شبکه منظم مواصلاتی با معابر عریض و میدانهای بزرگ، با سیمای معمول شهرهای اسلامی (شکل ۱۴ و ۱۵)، خیلی متفاوت بود، بینش المعز به قاهره موجودیت داد، اما او مدت زیادی زندگی نکرد تا از آن لذت ببرد.



شکل ۱۴ - بازسازی قاهره در دوره نخستین که نمایانگر این است که قصر خلیفه از محیط پیرامون خود به وسیله فضاهای باز جدا شده است (براساس مقریزی)

پسر او، العزیز، خلافت را به دست گرفت. او بناهای بسیاری برپا کرد و در دوران بیست سال سلطنت، چندین بنای مهم به بناهای قاهره افزود. نخستین بنا، قصر کوچک غربی است (قصر البهر) که یک بنای مهم شهری بود که به میدان مرکزی شهر هویت بخشید و آن را از باغهای خلیفه متمایز کرد. دوم مسجد انوار، که بعدها با نام مسجد الحکیم مشهور شد، به عنوان مسجد



شکل ۱۵ - شکل شهری تحلیل شده قاهره

الف) شکل شهری قاهره ب) شکل کارکردی ج) شکل کالبدی
 د) کاربری اراضی و الگوی فعالیتها (مکان) ه) ساختار فضایی
 و) طرح کالبدی (شکل زمینی)

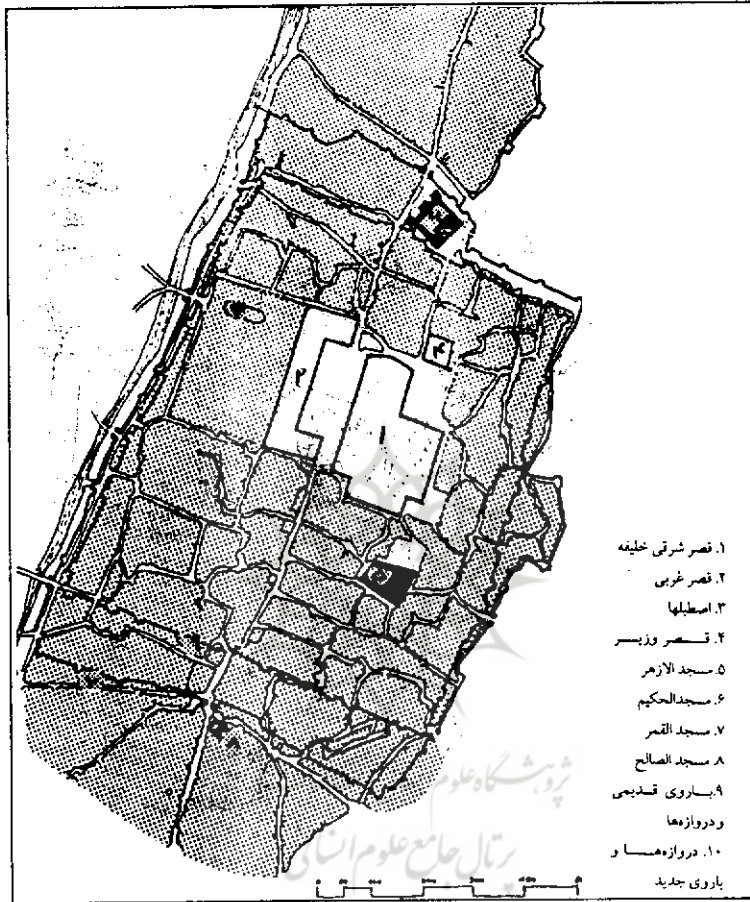
جدیدی برای برگزاری خطبه نمازهای جمعه و اعیاد بنیان نهاده شد. اهمیت شهری این مسجد که در خارج از دروازه باب الفاتح ساخته شد، این است که، نخستین مسجد فاطمی در خارج از باروی شهر بود. احداث این مسجد، با استفاده از مصالح یک ساختمان متروکه مصری، همچنین نشانگر تحولی در

امر برگزاری مراسم مذهبی در قاهره بود. برای نخستین بار خطبه نماز جمعه در بیش از یک مسجد در شهر برگزار شد: مسجد عمرو در شهر فسطاط که خطبه پیروان اهل تسنن در آن به جا آورده می شد، در حالیکه خطبه شیعیان در مسجد حکیم برگزار می شد.

وقتی که بدرالجمالی والی فاطمیان در سوریه برای قبول مسئولیت در ۴۶۱ به قاهره فرا خوانده شد، او ظاهر شهر قاهره را بازسازی کرد. وی با ساختن یک باروی سنگی جدید و تعدادی دروازه جدید، شهر را توسعه داد، چنانکه بناهای خارج از شهر، در درون این حصار جدید جای گرفتند. برای نخستین بار به قاهره، ظاهر شهری دارای استحکامات داده شد. این کار بزرگ نخست با استفاده از سنگهای به کار رفته در معابد باستانی مصر و با آوردن بنایان ماهر ساختمانهای دفاعی از روم شرقی، انجام شد.

قاهره در اوج قدرت فاطمیان شهری با عظمت بود. اگر چه این شهر اساساً به عنوان عرصه‌ای اختصاصی و حکومتی ملاحظه می شد، اما سرعت در جهت تبدیل شدن به یک شهر کامل توسعه یافت. جهانگرد ایرانی ناصر خسرو که از ۴۳۹ تا ۴۴۲ در شهر سکونت داشت، وصف مختصری از وسعت تجارت و داد و ستد داده است. تعداد دکانهای داخل شهر بیش از ۲۰۰۰۰ باب بود که همه انواع فعالیت‌های تجاری در آن جریان داشت. همه دکانها متعلق به خلیفه بود و به صورت اجاره واگذار شده بود و بیشتر اجاره کنندگان دکانها از فسطاط می آمدند. هیچ کس به غیر از خلیفه اجازه نداشت مالک املاک تجاری یا مسکونی در شهر باشد.

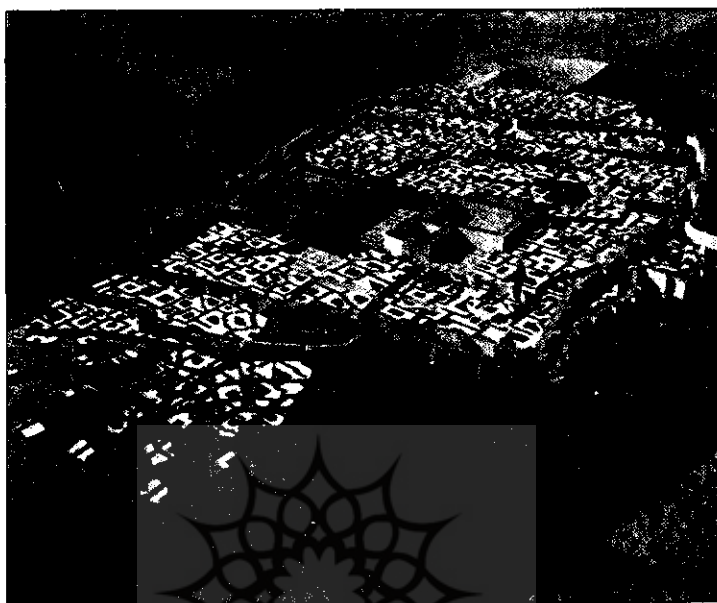
پیش از پایان دوره فاطمی، شهرهای قاهره و فسطاط در کنار یکدیگر قرار داشتند و به عنوان یک شهر واحد عمل می کردند که پایتخت خلافت فاطمی و مهمترین شهر قرون اولیه در جهان اسلام به شمار می آمد. الگوی منظم شهر طراحی شده، بعدها دچار از هم پاشیدگی و بیشتر به همسایه قدیمتر خود، فسطاط شباهت یافت (شکل ۱۶ و ۱۷).



شکل ۱۶ - قاهره در آغاز دوره حکومت ایوبی

نتیجه:

یافته‌های این بررسی بسیار مفید است و ابزارهایی که برای دستیابی به آنها استفاده شده‌اند، ضروری است. شکل کالبدی شهرها در مراحل گوناگون توسعه آنها، تصویری اجمالی از این که چگونه ساکنان این شهرها آن را تجربه کردند، به دست می‌دهد. این امر همچنین فرصتی پدید می‌آورد که بتوان دلایل بعضی از تصمیمات شهری را فهمید و کشف کرد. شکل



شکل ۱۷ - بازسازی رایانه‌ای قاهره در آغاز دوره حکومت ایوبی

شهرهایی مانند دمشق و قاهره نه تنها منعکس کننده قواعد اجتماعی و شرعی اند، بلکه تمام فعالیتهای افراد را با خواسته‌ها و امکانات آنها در خود جمع کرده‌اند.

درک کامل و صحیح از تاریخ شهرهای اسلامی، مستلزم اطلاعات اساسی تاریخی همراه با سیمایی مصور از این شهرها است. مصور سازی با رایانه ثابت کرده است که شیوه موثری در تحلیل تاریخ شکل شهری است، در این شیوه، می‌توان کشفیات و اطلاعات جدید تاریخی، معماری و باستانشناسی را به صورت مصور بر اطلاعات پیشین افزود و از آنها می‌توان به عنوان ابزارهایی برای برنامه‌های حفظ میراث تاریخی و همچنین برای تهیه تصاویری از روان بخشی بافت شهری برای مقاصد آموزشی استفاده کرد و امکانات بالقوه آنها به عنوان ابزاری برای طراحی در مناطق تاریخی آشکار است. برای طراحان و مورخان که به تاریخ شکل شهری

علاقمندانند، چشم انداز جدیدی گشوده است، که امکانات بالقوه آن تقریباً نامحدود به نظر می‌رسد.

مصور سازی رایانه‌ای به وسیله آناپنتو داسیلوا و الونز ادیسون در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، بخش معماری، آزمایشگاه گرافیکی سیلیکون انجام شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی